

نامه تبریک سازمان مارکسیستی-لنینیستی توان به حزب کمونیست چین بهاسمت و ۱۰۰ سالگرد انقلاب اکتبر

## نیرومند باد جمهوری توده‌ای چین

رفقای عزیز، به حزب پرافتخار کمونیست چین و به خلق کبیر چین تقدیم دارم. انقلاب اکتبر خلق چین رویداد عظیمی در تاریخ تکامل جامعه انسانی است. رویدادی که هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ بین‌المللی دارای اهمیت بزرگی است. انقلاب اکتبر در کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال تحت رهبری طبقه کارگر و حزب پرافتخار آن به پیروزی انجامید، نه تنها خلق چین را از یوغ امپریالیسم و فئودالیسم رهائی بخشید، بلکه راه نیک به آزادی و استقلال را به خلق های مستعمره و مستبدانه نشان داد.

به کبیر مرکزی حزب کمونیست چین، رفقای عزیز در این موقع که خلق کبیر چین بیست و پنج سالگی انقلاب اکتبر و ستاوردهای بزرگ خود را طی بیست و پنج سال گذشته جشن می‌گیرد و سازمان و طبقه خود میدانند بنام خود و بنام خلق های ایران صمیمانه ترن شاد باش های خود را به آن

## اعلامیه هیئت مرکزی سازمان توفان

### درباره دارودسته کمیته مرکزی

بدنبال تیرگی روابط شاه با شوروی بر سر یک رشته مسائل سیاسی و اقتصادی و از آن جمله افزایش بهای گاز اردو سه کمیته مرکزی که خود را "حزب توده ایران" میخواند، سیاست دیرینه و سنتی خود را در پشتیبانی از شاه و رژیم خونین و سارت آبی و ی کار گذارد و موافقت و نیاکارانه به حمله و هجوم به شاه و رژیم او تظاهر میکند. چه پیش آمده که این دارودسته بیگانه انقلابی "دوآتش از آب رآمده است؟ آیا سرنوشت رژیم شاه و در سیاست داخلی و خارجی آن در دوشیزه حکومت آن تغییر بیخود است؟ آیا رژیم شاه چند ماه پیش آنگنان بود که میبایست به پشتیبانی از آن برخاست و اکنون آنگنان که آنرا سرنوخت ساخت؟ همه کس میدانند که چنین نیست. رژیم کودتا از همان زمان استقرار خود در ایران پخته شده بود و در خدمت امپریالیسم و یوزما میبایست آمریکا قرار داشته است. این رژیم که شاه و این مظهر خیانت و جنایت و فساد نماینده و در رأس آنست پیوسته با فئودالیسم و بیسابقه و کم نظیر کوشیده است از ایران گورستانی بسازد تا امپریالیست ها با آرامش خاطر شورشهای آنرا بتاراج برند و خلق زحمتکش آنرا بیرحمانه استثمار کنند. توقیف و شکنجه و زندان و اعدام فرزندان خلق و بتاراج دادن ثروت های میهن ما در رژیم ایران پدیده نسبی نیست. بیهوده نیست که تمام نیروهای انقلابی ایران همواره سرنوخت رژیم شاه را تبلیغ کرده و در جهت تحقق آن کام برداشته اند. پس چگونه است که این دارودسته که تا اندکی پیش به انتقاد رقیب از رژیم می برداشت و حتی در مواردی رژیم را مورد تائید قرار میداد اکنون همه را به سرنوخت ساختن آن فرا میخواند. موضوع روشن است. دارودسته کمیته مرکزی به باغ خود پی اندیشد و نت به باغ کار خود عمل میکند. چیزی که در محله آنهاست نمیتواند آزادی و استقلال میهن ما است. تمام تلاش آنها مصروف بر اینست که مانند اربابان شوروی خود با تانک امپریالیسم و تظاهر به مارکسیسم - لنینیسم توده هارا بغریزند و راه را برای نفوذ شوروی هموار سازند. هدف آنها اینست که خلق های میهن ما را از زیر سلطه امپریالیسم بداروند و زیر یوغ سوسیال امپریالیسم شوروی بکشانند. میهن ما را در دریغ مملوستان چکوسلواکی و بلغارستان و دیگر کشورهای تحت سیطره روسیه بگذرانند. دارودسته کمیته مرکزی به شی و سیاستی که از او قیامت کشور ما از اهمیت رژیم شاه و رژیم او نشاء گیر معتقد نیست سیاست آنها را در محرومیت سوسیال امپریالیسم شوروی میگرد. لحن و مضون کتله ها و مقالات آنها مغرور و ملامت و تند و انقلابی است بحسب آنکه شاه با زمامداریان کرملین بر سر سلطه باشد، آنها را در رفتار منابع طبیعی میهن ما شرکت دهد و برای نفوذ آنها جای پائی بکشد یا بالعکس با آنها بر سر این مسئله اختلاف نظر پیدا کند و به کشمکش و مناظره بر خیزد. تازمانی که روابط شاه با شوروی حسنه بود و حتی در لحظاتی ماه عمل خود را میگردانید این دارودسته اقدامات خیانت آمیز و جنایتکارانه شاه را مثبت ارزیابی میکردند یا به انتقاد "رقیق" از آنها برخاستند. آنها کسانی را که به رژیم رژیم تازیان تاخت و سیاره بخاطر سرنوخت رژیم روابط خود می شمردند "ماجراجو"، "آناشینیست"، "چپ رو" میخواندند و هزار ویک دلیل میاورند که شرایط عینی و ذهنی برای سرنوخت رژیم موجود نیست. هر بار که مناسبات شاه و شوروی به انتقاد قرار داد می انجامید که تصور شوروی را در ایران تثبیت میکرد و توسعه میداد، آنها از شادی در پوست نمی گنجیدند. با یکدیگر از "صمیمتی شدن" کمپوزیشن میروند و در بهاره آهنگ سرخ رشد صنایع و اقتصاد ایران را در سخن میدادند و از شاه و دولت ایران می طلبیدند که سیاست نزدیکی با شوروی را با سرعت و دافعه بیشتری دنبال کنند. بی گیری آنها در این امر از جانجانشانی میشود که آنها نفوذ بقیه در صحنه؟

انقلاب اکتبر خلق چین سرفصل تازه ای در مبارزات خلق ها کشور و جنبش های رهائی بخش را افتتاح نمیکند. در خلق های انقلابی روح تازه ای دمید و آنها را در مبارزه با استثمار و استعمار زمین و دست نشاندگان آن، در مبارزه با نظامات کهنه قرون وسطایی مصیبت ز چپ و راست گردانید. طی ۲۵ سال که از انقلاب اکتبر میگذرد، خلق شوروی توده ای چین با پیروزیهای درخشانی که تحت رهبری ناهایان مارکسیست-لنینیست بزرگ رفیق ماوتسه دون و حزب کمونیست چین بدست آورده، با ایجاد صنایع سوسیالیستی، شهرت و کشاورزی اشتراکی ترقی، با تکامل علم و تکنیک پیشرفته، با افزایش قدرت نظامی کشور و از جمله دستخوشی به سلاح اتمی برای مقابله با هرگونه تجاوز از خارج، اکنون به دست مستحکم و تسخیر ناپذیر سوسیالیسم، به دست افعی کبر خلق های انقلابی تبدیل گردیده است و محکم و استوار با کامیابی بلند در راه ساختمان جامعه سوسیالیستی به پیش میروند. تجربه تلخ بروز ریزش و نوسان و سپس احیای مرمایه فئودالی در اتحاد شوروی و بسیاری از کشورهای سوسیالیستی سابق خلق چین را بر آن داشت که نظام سوسیالیستی را از انحطاط و زوال مبرا نگذارد و راه را بر بروز ریزش و نوسان و احیای مرمایه فئودالی به بندد. انقلاب کبیر فرهنگ پرولتاریائی و سپس جنبش انتقاد علیه لنین پیسانو و کفوسویرس، همراه با جنبش توده ای مطالبه مارکسیسم - لنینیسم بخاطر انتقاد از ریزش و نوسان و ناپایداری پرولتاریائی این طبقه را به انجام رسانید. سیاست سوسیالیستی را استحکام بخشید و انقلاب را در شرایط دیگران تری پرولتاریا در جبهه های سیاسی و ایدئولوژیک به پیش راند و به رشد جامعه در کله زمینه ها و نیروی سر تولید اعتلا، تازمانی بخشید جمهوری توده ای چین، در تجربه بین المللی بخاطر دفاع از منافع خلق های جهان در مقابل استراتژی ضد انقلابی و دوا بر قدرت و بخاطر مقابله با سیاست تجاوز و شانناو اتسی و توطئه های ضد انقلابی آنها، و نیز بخاطر کمک ها و همی همه جانبه و بی شائبه به خلق هایی که برای آزادی و نجات میروند از محیبت و اختیار روز افزونی برخوردار است. تعمیق انقلاب سوسیالیستی، استحکام و تثبیت همه جا چین توده ای و افزایش اعتبار و حیثیت بین المللی آن نمیتواند مایه برور و شادمانی همه مارکسیست ها نشانیست. هاوانا انقلاب واقعی نباشد. نایقین در ارم که در سایه اندیشه هستیاری داهیانه رفیق ماوتسه دون، در سایه رهبری حزب کمونیست جمهوری توده ای چین به پیروزیهای بازم درخشانی نائل خواهند آمد. ما از صمیم قلب چنین پیروزیهای را برای خلق چین آرزو مندیم.

خجسته باد ۱۰۰ سالگرد انقلاب اکتبر خلق چین! نیرومند باد جنبش شوروی-سوسیالیستی توده ای چین! **هیئت مرکزی سازمان دانشجویی دانشجویی توفان** **یاری رسان، نیرو بدنه توفان را** **سازش بارو نیز یونیستهای ایرانی همدستی باد دشمنان خلق است!** **برجم مبارزه طبقاتی کارگران فقط میتواند تئوری مارکسیسم انقلابی باشد و سوسیال دموکراسی روس باید برای تکامل آینده آن و تحقق آن در زندگی تلاش ورزد و درین حال آنرا از تحریفات و عیارگیری که غالباً "تئوریهای مد روز" بسازان گرفتار میبایند مبرا باشد ( و پیروزیهای سوسیالیست دموکرات در روسیه مارکسیسم را هم اکنون به تئوری مد روز تبدیل کرده است.)** **لنین**

**دوروی یک سنگه قلب** **رژیم شاه علی ساخت.** **در "برنامه" نه تنها از سرنوخت رژیم خود گاهه محمد رضاشاه، از سرنوخت رژیم وی سخنی هم نیست، برعکس وظیفه "میرم" و "انقلابیون" در مرحله حاضر این عبارت بیان شده است:** **"در مبارزات طبقه کارگر ایران و حزب و مبارزات بیوم در اطراف آن شعارهایی که دارای نیروی افشاء و وسیع کننده است و مبارزه در راه آنها در چارچوب قانون اساسی ( که سلطنت را بر مبنای ششاد - توفان ) و اعلامیه حقوق بشر ممکن است اهمیت ویژه ای کسب کند." ( تکیه روی کلمات از توفان )** **می بینید که میا "رژیم" فقط افشاء رژیم است آنهاست در چارچوب قانون اساسی.** **این برنامه که در پیروزی در سراسر آن تجلی میگردد بالاخره در نظر آنها برنامه انقلاب ملی و دموکراتیک است و باید تا پایان این مرحله قوت و اعتبار خود را همچنان حفظ کند. اما در مسئله مهمی مانند سلطنت و سرنوخت آن این مردمان بیگانه و هشتاد درجه ای جرحند.** **در سرمقاله مجله دنیا شماره ۱ دوره سوم به این عنوان بر میخوریم:** **"سرنوخت کردن رژیم ضد ملی بقیه در صحنه؟"**

دارودسته کمیته مرکزی از اصولیت مطلقا نشانی ندارد از مارکسیسم - لنینیسم سخن میگوید ولی فقط برای آنکه مردم را فریب دهد و برنامه برای "حزب" لنینیسم ولی از امروز تا فردا مخفیترین و اساسی ترین احکام آنرا عین میکند. این بوزگان کوشش به فرمان زمامداریان کرملین یعنی پیروزی توده های شوروی است. آنها میگویند کشور ما را مانند مملوستان چکوسلواکی و بلغارستان و لهستان و غیره تحت استیلا سوسیال امپریالیسم روس در آورند، آنها میگویند جبهه انقلابی میهن ما را به دنباله از پرولتاریائی امپریالیست شوروی بکشانند. آنجا که پای منافع امپریالیسم شوروی میان میاید اصولیت بدست فراموشی سپرده میشود. اینک یک نمونه: **هیچ کجا نامی از سلطنت شاه نمی بینید، هیچ کجا کوچکترین اشارهای هم به سرنوخت سلطنت محمد رضاشاه و اصولا به برانداختن سلطنت نشده است. در مورد رژیم خون آتساکم گویی هیچ جا حتی صفت "ضد ملی و ضد دموکراتیک" هم بکار نرفته است. گویا میخواند انقلاب ملی و دموکراتیک را در شرایط ایران بدون برانداختن سلطنت، بدون سرنوختی**

اعلامیه هیئت مرکزی سازمان توقان در باره «دوره ستم کثیفه» مرکزی بجه ازصفحه ۱ و استیلای شوروی راوشیفته آزادی و استقلال ایران میدانند مراه رسیدن به سوسیالیسم می شمرند و جنگی که از سیاست خارجی «سنتل» ایران سخن میزنند مفهوم آن چیزی جز بهیبت گورکوره و بیچون و چرای اوشوروی نیست . ازاین نقطه نظر روسوفیل "های مدرن" یا "انگولفیل ها" آمریکا - روسوفیل "ها" و فرانکوفیل "ها" و فیلپهای دیگر ایران سرورق تفاوت ندارند . اینها همه مزد ورانی هستند که منافع خود را در استیلا بر این یا آن امپریالیسم بر ویسین مانتخسف میدهند . منتها "روسوفیل" های امروزی نقاب مارکسیسم سولنینیم برچهره دارند تا خودها را بهتر بنمایند . اپوزیسیون این داور دسته با رژیم شاه باخطر آزادی و استقلال مبین ما و خلق های ایران نیست ، آنها باخطر مابین منافع سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران و مطامع نواستعماری آن در اپوزیسیون با رژیم شاه قرار دارند و گاه گاه زمانی که زمانه زان شوروی صلاح می بینند به حمله و هجوم می پردازند .

سیاست انسانی این داور دسته پشتیبانی از شاه و اقامت وی است در ضمن حال انتقاد از راههای جوانب رژیم برای آنکه شاه را به عقب نشینی بیشتر و وارد آمدن آنها اقدامات شاه را ستوده ، مثبت خوانده و بر آنها صحنه گذاشته اند . اما در مقابل جنبش خود مد های مردم جان طلب رسیده را نکوهش کرده و حتی ارتجاعی شمرده اند . همه از ایرانیان این داور دسته و اربابان شوروی آنها را قیام و خرداد آگاهند که چگونه آنرا تخطئه کردند و مینمایند مالکان ارضی فئودال و روحانیون ارتجاعی علیه "اصلاحات ارضی" ناپایندند . همه برارزیایی این داور دسته از مبارزات چریکی فرزندان خلق قوی دارند و میدانند که چون مبارزه چریکی را با هم از سازمان امنیت دانستند و از آن با برجسب های زشت یاد کردند و آنها حتی فرار داد خائنه " مراد ۲ " شاه را با کسریسمم بقرار دادی که نفت ایران را تا آخرین قطره بناراج انحصارهای نفتی میدهند موفقیت مردم ایران قلمداد کردند و سیاه بر روی سفید نوشتند ؛ گمنامیسم محبوبند به عقب نشینی تا زمانی دست زده و در بخش آگشایی و استخراج و تصفیه مواصمی را از دست بدهد و این خود بمقتله یک موفقیت تازه مردم ایران در مبارزه با کسریسمم است .

اما اکنون چندی است که در نتیجه تجزیه پاکستان و تحریکات شوروی در بلوچستان و بالاخره اختلاف بر سر افزایش بهای گساز صادراتی ایران به شوروی روابط ایران و شوروی به سردی و تیرگی گزاشده است . مطبوعات شوروی و راد یوسکورد رلفا فاه از رژیم ایران به انتقاد پرداخته اند . در چنین شرایطی است که داور دسته کثیفه مرکزی به اشاره مقامات شوروی وارد میدان میشود و شعارهای "انقلابی" میدهد . سیاست اساسی و فروریستی آنها باخطر وادار ساختن شاه به "عقب نشینی" در کلیه سیاست های داخلی و خارجی ، بیگانه راجی خود را به شمار سرتگون ساختن رژیم شاه و امید آرد . آنچه را که در گذشته مثبت خوانند اکنون منفی آزاب در میابند . بمان کسانی که در "برنامه" خود قرار داد خائنه " مراد ۲ " شاه را با کسریسمم " موفقیت تازه" مردم ایران در مبارزه با کسریسمم خوانند . اکنون امضا" این فرآزاد را خیانت اعلام میدارند . همان کسانی که تا دیروز از چریکیهای "ماجراجو" فاصله میگرفتند امروز اسناد آنها را از ادبیات شوروی به ایران پخش میکنند خود آنها را در اپوزیسیون علیه رژیم شاه متحد خود می شمارند . ملا که آنها را تشخیص نداشتان و متحدان امشی انقلابی و مبارزه انقلابی در راه آزادی و استقلال خلق نیست . وفاداری نسبت به اتحاد شوروی یا لاقصل سکوت در مقابل مطامع نواستعماری آنست . شاه اگر با شوروی شرمناکاری داشته باشد و به آن روی خوش نشان دهد از حسن نظر آنها برخوردار است و آنروز که با اتحاد شوروی در او فتنه سازوار آنست که سرتگون کرد .

توجیه آنها در صحت این ملاک اینست که اتحاد شوروی کشوری سوسیالیستی است . آری ، کشور شوراها پس از انقلاب کبیسین سوسیالیستی اکبر و تا زمانی که لنین و استالین در راه آن بجای داشتند کشوری سوسیالیستی و مرکز انقلاب جهانی بود ، همه کارگران جهان و خلق های محروم و مستعمر که کشور شوراها بمشابه مبین سوسیالیستی خویش میگزینستند و در برابر هرگونه تجاوز امپریالیسم و ارتجاع بد دفاع برخاستند . مرکز استالین سرتماز دوران نوی در حیات اتحاد شوروی بود ، دوران انحطاط و بازگشت به سرمایه داری . اکنون سالهاست که کشور شوراها از سوسیالیسم ، از راه طبقه کارگر روی گردانیده است ، سیاست داخلی و خارجی جان شینان مرتد و ناخلفا لنین و استالین چیزی جز سیاست یک دولت بزرگ سرمایه داری نیست . امروز شوروی بمشابه یکی از داور قدرت بر سر حفظ و توسعه مناطق نفوذ خود در سراسر جهان با امپریالیسم آمریکا به رقابت و همکاری برخاسته است .

اتحاد شوروی امروزی یکی از امپریالیسم نیرمند جهان است ، امپریالیسمی که صورت خود را با نقاب سوسیالیسم می آراید ، امپریالیسمی که گذشته "برافتخار اتحاد شوروی و روسیه" فریب خلق ها فرامیدهند ، امپریالیسمی که با شمارها و سخنان مارکسیستی و سفاکانه ظاهر به دفاع از مبارزه ضد امپریالیستی خلق ها به مطامع نواستعماری خود جا هم عمل می پوشاند . شیوه های عمل اتحاد شوروی در صحنه جهان همان شیوه های نواستعماری امپریالیسم آمریکا است با این تفاوت که امپریالیسم شوروی به سبک دوران تزاری گسخت تر دی پروتا به پیش می تازد .

زمانی بود که امپریالیسم آمریکا خود را حامی و مدافع خلق های مظلوم و ستمدیده مینمایاند ، بودند کسانی نزدیک به این تهرات باور داشتند . اما امپریالیسم آمریکا زود پشت خود را بمشابه دشمن بزرگ خلق ها باز کرد . اکنون اتحاد شوروی بجای پای آمریکا که پر امید آرد و خود را حامی و مدافع استقلال و آزادی خلق ها جایزند . هستند کسانی که به این تهرات باور دارند . اما این امپریالیسم نواخته ز خیلی زود چهره خود را ضعیف ساخت . خلق های جهان با تجربه خویش ماهیت این قدرت نواستعماری را بیش از پیش دریابند و در برابر مطامع نواستعماری آن می ایستند .

امپریالیسم شوروی در سایه خیانت شاه و نظر مساعد امپریالیسم آمریکا توانسته است در ایران مواضع اقتصادی قابل توجهی بسازد . امپریالیسم شوروی امروز در تهرات کشور ماسپی دارد و میگزیند بر روی تهرت های ایران پنجه افکند ، امپریالیسم شوروی شبکه جاسوسی خود را در ایران گسترش میدهد . داور دسته کثیفه مرکزی که علی رغم این واقعیات سرسخت میکوشد چهره زشت این امپریالیسم را همچنان در پشت نقاب سوسیالیستی پنهان دارد نقش ستون پنجم را بازی میکند . اینها همه مارا بران میدانند که هویتیاری و از دست ندهیم ، علی رغم موضع متفق امپریالیسم آمریکا از مبارزه با امپریالیسم شوروی و از مبارزه با ستون پنجم آن غافل نمانیم ، به بهانه های پیچ و ساختگی در بارگزارانند آبروی از دست رفته امپریالیسم شوروی و نوکران ایرانی آنها نکوسیم .

سازمان ما وظیفه خود میداند به طبقه کارگر و بهمه توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی هشدار دهد و آنها را از افتادن در دامی که داور دسته کثیفه مرکزی گسترده است ببرد و دارد . آزادی و استقلال مبین ورطقی خلق های ما با راندن امپریالیسم غرب و در راه آن امپریالیسم آمریکا و نشان دادن امپریالیسم شوروی بجای آن بدست نیاید . استیلای امپریالیسم شوروی در زمانی بمراتب بدتر از وضع فعلی در برابر خلق های مایمک آرد . مبارزه خلق های مبین ما برای آن نیست که امپریالیسم آمریکا را بیرون اندازد و امپریالیسم شوروی را بجای آن بنشانند . برای این نیست که زنجیر اسارت خود را از دست مستگمرانی بدست مستگمران دیگر بسپارد ، برعکس برای اینست که در نواستعماری نین را ولوانکند و لواقف سوسیالیسم خود را پنهان دارد ، از پای داور دسته و فرشته آزادی را بر سر اسرا بسازد فراتر از سازد .

بر همه نیروهای انقلابی ایران فرض است که در زمین پیگار سخت و خونین علیه امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیسم های غرب و نوکران ایرانی آنها به نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران ایرانی آن راه ندهند و با آن مبارزه برخیزند ، ماهیت نواستعماری شوروی را با تکیه بر واقعیات در برابر توده ها افشا کنند . در غیر اینصورت ثمرات انقلاب بجای آنکه نصیب توده های خلق شود در اختیار اعمال امپریالیسم شوروی قرار خواهد گرفت و استعماری امپریالیسم شوروی و اعمال آن بجای مستگمرانی امپریالیسم آمریکا و اعمال آن خواهد نشست .

چهره زشت ... بقیه ازصفحه ۱ نیکسون همیشه مدافع سیاه ترین نیروهای ارتجاع و استعمار توبن بود . برای حفظ و توسعه هرچه بیشتر استعمار توبن بمشهور توسعه طلبی و استعمار و غارت ثروت های ملی کشورهای در حال توسعه نیکسون بیش از هر رئیس جمهور دیگری از خود پشت کار نشان داد . قراردادهای متعدد میان نیکسون و بوزرف و رقابت بدو بر قدرت بر سر توسعه سطره خود بر سراسر جهان بر تابق که اکنون شدت یافته است ، علل عمده و خاست بیشتر کشش بین المللی و کشمکشها و جنگ هائی است که امروز در مناطق متعدد از جهان وجود دارد . سقوط نیکسون ، بوزرف را در سیاست نزدیک و همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا از یک یار بسیار نزدیک محروم ساخت .

بوزرفی آمریکا میگزیند از استعفا نیکسون و جانشینی فور برای ایجاد این تومم بهره برداری کند که در آمریکا سرمایه داری آزادی و دموکراسی وجود دارد . بوزرفی میگو در زیر این نقاب آمریکائی های ساده و افکار عصبی را بطور کلی بفریبید و با بکار بردن این تاکتیک سطره خود را ادامه دهد و جاودانسی گرداند .

خلق آمریکا و همه خلق های جهان بخوبی میدانند که صرف نظر از کسانی که به گاج سفید وارد میشوند یا از آن بیرون میمانند و مقام ریاست جمهوری آمریکا را احراز میکنند هیچ چیزی این واقعیت را تغییر نمیدهد که این بوزرفی بزرگ انحصاری است که بر آمریکا فرمان میراند و بر حسب منافع خود و اوضاع و احوال وادارترین مردان یکی از دو حزب بوزرفی را در راه سوره جبریه می گارد . روسای جمهور آمریکا چنان که زندگی نشان داده است با شیوه ها و تاکتیکهای کوناگون سیاست وادعی را دنبال کرده اند . سیاست توسعه طلبی و تجاوز در عرصه بین المللی . پس از استعفا ایجادی نیکسون مقام ریاست جمهوری توسط جانشین وی جرالد فورن اشغال شد که از تعریف و تمجید رئیس سابق خود باز نایستا دولت جدید را با اعضای مهم گروه نیکسون تشکیل داد و طی یک سفراتی تلویزیونی اعلام داشت که همان سیاست نیکسون را دنبال خواهد کرد .

این نگاه بار دیگر نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا میتواند افراد خود را عوض کند ولی همان مستکر و تجاوزکار و دشمن سرسخت آزادی و استقلال خلق ها باقی خواهد ماند تریدی نیست که رئیس جمهور جدید همان راه سلف خود را در پیش خواهد گرفت ، همان سیاست امپریالیستی توسعه طلبی در تمام عرصه های سیاسی ، اقتصادی و نظامی ، همان سیاست هد اخله در امور داخلی کشورهای مستقل دیگر ، همان سیاست استعمار و غارت ثروت های ملی کشورهای دیگر را دنبال خواهد کرد .

اظهارات اخیر فور و دیگر مقامات ولتی آمریکا در باره سیاست خارجی و دعوت آنها به حفظ و تقویت قدرت آمریکا بمشابه بزرگترین دولت جهان سرمایه داری ، بمشاهندان بین المللی نشان میدهد که واشنگتن هنوز میخواهد هدفهای نامحدود خود را بوسیله قدرت نامحدود به تحقق در آورد . نگرانیهای فور و دیگران ، نگرانیهای صلح واقفینی نیست . بنا به اظهارات ریاست کاخ سفید ، آمریکا میخواهد " صلح را بوسیله زور" برقرار کند یعنی با قهر و با تکیه بر نیروی مسلح همه را به نسیعت از آمریکا وادارد . افزایش مداوم بودجه نظامی آمریکا در این حقیقت است .

امپریالیسم آمریکا در سراسر دوران تاریخ خود دشمن درنده خوی خلق های آزاد برده است . و فریبانیان تجاوز خود را با بیرحمی سرکوب و استعمار کرده است . آمریکا وادار بین المللی است . هندوچین ، خاورمیانه ، سبلی ، قبرس ، شواهد اخیر آنست ، و خاکی از اینکه مرثت امپریالیسم آمریکا تخفیر ناید بر است و تجاوز و شانتاز و توطئه کردی در مناسبات او با کشورهای دیگر امری عادی و مستقر است .

خلق های جهان سیاست آمریکا ، خصالت تجاوزکارانه و ریاکاری او را خوب می شناسند . احساسات ضد آمریکایی هر روز بیش از پیش گسترش مییابد . خلق ها و کشورهای باهوش آمریکا و نیز با سیاست توسعه طلبانه اتحاد شوروی بمقابله برخاسته اند و با مساعی این داور قدرت برای تسلط بر سر جهان مبارزه کرده و خواهند کرد .

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان

در برهمن ... عقبه از صحنه و قبرس و دستگاه جاسوسی آمریکا نقش بزرگی داشته است. امپریالیسم آمریکا با کودتای نظامی ضد دولت شوروی در قبرس بر سر کار آورد که ایسین نقطه استراتژیک مهم را نه تنها از دست اندازی شوروی حفظ نگاه دارد. بخصوص در ایوانی که بزودی ترعه سوزش نمود. میشود و راه ناوگان نظامی شوروی به اقیانوس هند تسهیل میکرد. بلکه آنرا تمام و کمال در اختیار امپریالیسم آمریکا بگذارد.

جزیره قبرس از لحاظ نظامی دارای اهمیت فراوانی است. از این جزیره میتوان کنترل تنگه داردانل را این راه نفوذ ناوگان شوروی به مدیترانه را در دست گرفت. بر هرگونه حرکت نیروهای نظامی نسوی حاروبیانه ترعه سوزش و اقیانوس هند نظارت داشت. مشابه پایگاه موثری علیه کشورهای عربی استفاده کرد. بدیهی است سوسیال امپریالیسم شوروی نمیتوانست آرام به نشیند و ناظر ثبوت نفوذ آمریکا در مدیترانه شرقی باشد. این بود که نقش العمل نظامی شوروی در قبرس نیاید. او کشتی های جنگی تازه ای از دریای سیاه بدینا اوزه گسیل داشت. بخشی از نیروهای نظامی خود را بصورت آماده باش در آورد. بر هجوم نیروهای نظامی ترکیه به قبرس چشم خود را فرو بست و در واقع به تجاوز ترکیه به یک کشور حاکم و عضو سازمان ملل متحد صحنه گذاشت. هنوز هم باین تجاوز با نظر نا امید میگرد.

با تجاوز ترکیه به قبرس و پیشروی آن وضع تازه ای پیش آمد که برخلاف انتظار آمریکا بود. امپریالیسم آمریکا کوشید و هنوز هم میکوشد در چارچوب پیمان آتلانتیک شمالی مشکل بخونج و پیچیده قبرس را بسود خویش فیصله بخشد. سوسیال امپریالیسم شوروی که در خاروبیانه شکست بزرگی نصیب او شده است. نمیخواهد در قبرس نیز چنین سرنوشتی گرفتار آید. چیزی که به زبان توسعه طلبی او در مدیترانه و در خاروبیانه در بالکان و حتی در اقیانوس هند است. نمیخواهد راهی برای ورود خود به این ماجرا باز کند. اینست که ناظری به زو برای شرکت در مذاکرات سه جانبه و پنج جانبه می فرستد پیشنهادهای مشکوک که مشکل قبرس در یک گفتار بین المللی مطرح وحل شود. اینها همه برای آنکه آب را گل آلود کنند و از آن ماهی بگیرند.

بدین ترتیب در قبرس ظاهر امر اینطور است که موضوع بر سر هم میزند و واقعیت ملی ترک و یونانی است. یا اختلاف نظر ترکیه و یونان بر سر محل مسئله قبرس است. اما در واقع در پشت این نما و در بر قدرت ایستاده اند. واقعه قبرس نتیجه وثابت و در بر قدرت در صحنه جهانی است که این بار بصورت حاد در مدیترانه شرقی تجلی میکند.

امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی از استقلال و آزادی خلق ها از صلح و آرامش جهان دم میزنند و لسی آنها این نکات را وسیله ای برای نفوذ خود در این یا آن منطقه از جهان در این یا آن کشور قرار داده اند. وثابت در دو کشور بزرگ امپریالیستی آمریکا و روسیه که پیوسته بر قدرت نظامی خود می افزایند. آنگاه جنگ جهانی سوزی است. تاریخ نشان میدهد که "استقرار صلح" با دست امپریالیست ها و از طریق مسابقه تسلیحاتی در جامی جز جنگ امپریالیستی ندارند. برای نیل به صلح و آرامش و آزادی و استقلال راهی جز مبارزه بی امان با هر دو بر قدرت نیست. کسانی که خیال میکنند با افتادن در دام این یا آن بر قدرت میتوان به صلح و آزادی و استقلال نائل آمد در واقع اسارت نازی را برای خلق تدارک می بینند.

چیزی بهتر از اتحاد همه مارکسیست ها که به عقب عقب بحران و لزوم مبارزه با آن بی برده باشند نیست. اتحاد بخاطر دفاع از میانی تئوریک مارکسیسم و احکام اساسی آن که از جهات متضادی از راه گسترش نفوذ بورژوازی در همراهان مختلف مارکسیسم تحریف میشود.

لنین

لاشه را احیا نکنیم بلکه مارکسیسم انقلابی را علیه "همچنین مارکسیسم" اپورتونیستی تکامل بخشیم.

لنین

در روزی یک روز. بقیه از صحنه رفتند و پروکوراتیک و تجار و زرگر موجود هدف میرم جنبش انقلابی ایران است.

در "برنامه" وظیفه "برم افشا" رژیم آسم در چارچوب قانون اساسی است. اما در صورتی که مجله نمایان هدف ناگه "سرنو کرس رژیم" از آب در میآید. تاکنون هرکس از سرنو کرس رژیم گردنا سخن میگفت و توده ها را به مبارزه بخاطر آن دعوت میکرد. بلافاصله این را در دست دست برای ایرا بسا عوامل عینی و ذهنی که در جامعه ایران موجود نیست نیستند اورا با چاقی عناوین "جیب رو" "جیب نما" "بلا نکیت" "آنا ریست" و "ولنتاریست" وغیره میگویند. اما حالا خود این آقایان سرنو کرس ساختن رژیم را در سرلوحه وظایف گذارده و آنرا وظیفه "میرم" شمرده اند. آیا سرنو کرس رژیم دیگر به وجود عوامل عینی و ذهنی نیازی ندارد؟ یا آنکه "رفیق بوزق" این عوامل را از هوا بیاید یا چتر در ایران بیاید کرده و اکنون همه چیز برای سرنو کرس روبرو است؟

اگر هدف سرنو کرس این اندازه میرم است پس چرا اثری از آن در "برنامه" "حزب توده ایران" نیست؟ چرا این شعار جیبی بعنوان هدف استراتژیک هیچ دیده است. آیا جز این است که، ستورقشار بر شاه بمنظر عقب نشینی. در بهای گاز از مسکو صادر شده است؟ شاه خائن هم مانند همیشه که در برابر امپریالیست ها تسلیم است این بار هم در برابر امپریالیسم شوروی عقب نشینی اختیار کرد و دست شوروی را در فراتر گاز ایران به بهای ایزان بازگذاشت.

نمونه ای دیگر: در مورد اصلاحات ارضی فواستعماری شاه در برنامه

چنین میخوانید: "در نتیجه اصلاحات ارضی ... بطور عمدتاً مالکین فئودال از میان رفته اند" و "مهمترین اصلاح رژیم در دهه اخیر اجرای اصلاحات ارضی است. محتوی این اصلاحات عبارتست از ایجاد مصلحت و شرایط لازم برای بسط مناسبات سرمایه در روستای ایران بزبان مناسبات ارباب رعیتی". (تکیه از ما است - توانان) بدینسان روشن است که اصلاحات ارضی با از میان بردن مالکین فئودال بطور عمده و ایجاد شرایط لازم برای بسط مناسبات سرمایه داری در مجموع "بزبان مناسبات ارباب رعیتی" تمام شده و این مناسبات بطور عمده و باید از میان رفته باشند.

اما اکنون در سر مقاله "سجله دنیا در باره جنایات رژیم" یکی را هم این می شمارد که "رژیم ارباب رعیتی را حمایت مینماید". (تکیه از ما است - توانان) آیا مسئله اصلاحات ارضی که در واقع مسئله دهقانان ایران است آنچنان مسئله کم اهمیتی است که باید اینگونه آنرا سوسری گرفت؟ بالاخره رژیم یا "رژیم ارباب رعیتی را حمایت مینماید" و یا در جهت "بسط مناسبات سرمایه داری در روستای ایران بزبان مناسبات ارباب رعیتی" است تصمیم در این امر منوط به اینست که رای "ولنتاریست" "کرپلین در لحظه" معین به که امیک تعلق گیرد.

اینهم نمونه دیگر: شاه در مرداد ۱۳۵۴ قرارداد خانمانهای با کسرسیوم امضا کرد و نفت ایران را تا آخرین قطره در اختیار شرکتها نفتی و امپریالیست ها گذاشت. خیانت جدید شاه را همه مردم ایران محکوم کردند. تنها در در دست "کمیته مرکزی آنرا" موفقیت مردم در مبارزه با کسرسیوم "قلندار کرد" و بدین سان بر خیانت شاه صحنه گذاشت. توجه کنید:

"وجود کسرسیوم بصورت گذشته در شرایط گونی بین المللی و در قبال فشار افکار عمومی مردم ایران که همیشه خواستار لغت قرارداد اسارت آور با کسرسیوم بودند امکان نداشت. لذا کسرسیوم مجبور شد به عقب نشینی تازه ای زد و بود رخنه انگشتاقت و امتحان و تنقیح. مواضعی را از دست بدهد و این خود سرنو کرس یک موفقیت تازه مردم ایران در مبارزه با کسرسیوم است". (تکیه از ما است - توانان) (از طغر "سرنو کرس" فروردین ۵۲)

باز هم:

"شاه در ژانویه ۱۳۳ اعلام داشت که تا سال ۱۳۶۱ کنترل نفت بطور کامل بدست دولت خواهد افتاد. ایالات

متحد و آمریکا و انگلستان از مجاری دیپلماتیک نسبت به تهران ابراز ناخوشی کردند. ولی طی بیست سال اخیر بعضی از هنگامی که سیا دولت صدق را سرنو کرس ساخت و نفت ایران را به امپریالیسم انگلیس و آمریکا بازگرداندید. تغییرات اینجا که در جهان روی داده است. دولت ایران برای پایان جلیتی که خود در قرارداد معین کرده بود منظر نماند و در ژانویه سال ۱۳۷۳ تمام صنعت نفت را تحت کنترل خود گرفت.

نخست وزیر امپریالیست هویدا اظهار داشت که ایران در جهان پس از اتحاد شوروی نخستین کشور است که نفت خود را تمام و کمال به تملک خود در آورد. است و امور آنرا خود اداره میکند. باشد که ما فراموشکاری نخست وزیر را از یاد خود خارج کشورهای سوسیالیستی و کمونیست بر او بی بختیم. با آنکشته متخصصین کارتل نفت همچنان در مقامات احتیاجاتی هستند علاوه بر آن حقوق مقامات اساسی نفت بخود کارتل تیز جلاخته تضمین شده است مع الوصف اقدامات قاطع دولت تهران در مورد اینکه حوادث در وجه مستقیم سیر خواهد کرد. با چاقی تره باقی نماندند.

"درجه انترپنسی ملی کردن نفت امروز در حد و معین فقط به سرعت تپه کار رفتی ملی وابسته است. در این زمینه کشای بنیادین اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی اهمیت درجه اول کسب میکند. مشکل بتوان گفت که شاه در مراسم گماش کارخانه زوب آهن اصفهان که بکش اتحاد شوروی ساخته شد. صرفاً بر حسب تصادف بود که ملی کردن عتربت نفت را اعلام داشت". (نقل از مسائل بین المللو

شماره ۶ بهمن - اسفند ۱۳۵۴) در عبارات فوق در دست "کمیته مرکزی قرارداد خائنا شاه را" ملی کردن نفت "خوانده است و آنرا موفقیت مردم ایران در مبارزه با کسرسیوم بحساب گذاشته است. تا اینجا پشتیبانی از شاه و رژیم او و اقدامات او است و تازگی ندارد. اما با وجود بر سر بهای گاز ایران وضع بیگانه عسوس میشود. و آنچه موفقیت مردم بود خیانت شمرده میشود.

"قرارداد جدید که سلطه کسرسیوم را بمدت ۲۰ سال دیگر تضمین میکند نقش درجه دوم و تابعی برای شرکت ملی نفت ایران - در حوزه امتیاز - در نظر گرفته است. بموجب قرارداد شرکت ملی نفت ایران در بخش اعظم کارها مباشرتاً بجای کسرسیوم" "مقامات رژیم حاکم قرارداد جدید را کمال مطلوب اعلام کرده و ادعا نموده اند. که گویا با امضا این قرارداد حقوق ملی ایران از هر حیث تمام و کمال تأمین شد. و در آنچه که مربوط به موضوع قرارداد است چیزی کبسه باید بخاطر آن مبارزه کرد باقی نمانده است. این اصلاحات است بزرگتر از امضا خود قرارداد". (تکیه از ما است - توانان) (مجله دنیا شماره ۲ سال چهارم ۱۳۵۴) چنین است شیوه بزبان این بورژوازی و فیسکالان و چنین است سیاست مردمانی که استیلا امپریالیسم روس را بر ایران در سر می پروراند. فقط کسانی که مانند بولشویسم هر روز رنگ عوض میکنند، کسانی که هنگام ضرورت برای حفظ سیادت خود حتی از سازش با دشمنان خلق هم باک ندارند فقط چنین عناصری میتوانند بسوی این مردمان آبروخته. در اربابان آنجا گرایش یابند و بی آنها بمغازله پردازند.

**خوانندگان تولان وقت فرمایند**

از ماه اکتبر آدرس ما بهمانه تولان تغییر میکند. آدرس جدید آن چنین است:

X DR. GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS)  
ITALY

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

**فرخنده باد پیوست و پنجمین سالگرد جمهوری خلق چین!**

چهره زشت

امپریالیسم آمریکا

سقوط نیکسون ضربه سختی بر امپریالیسم آمریکا و بر موازین اخلاقی آن در سیاست و بر شیوه های آن در ادراک امور کشور وارد آورد. نمای پروژین دموکراسی آمریکائی پسا سروزدهای بسیاری فرو ریخت.

نیکسون که بر تئوری افکار عمومی آمریکا و جهان بسختی افتاده و نزد یکمین همکارانش او را رها کرده بودند مجبور شد استعفا بدهد. او بعینت کوشید رسوائی و اتزکت را کسبه مستقیماً در آن دست داشت خفه کند.

در شرایط مبارزه میان دو حزب بزرگ آمریکای حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات، رسوائی و اتزکت به موضوع بحث عمومی و اتهام زنی و انتقاد عمومی مبدل گردید. از یکسو حزب جمهوریخواه میخواستند برای آنکه رسوائی بر این رسوائی بیرون بیاورد و از سوی دیگر حزب دموکرات در پی آن بود که از این رسوائی بسود خود استفاده ببرد و برای انتخابات آینده ریاست جمهوری برای خود اعتبار سیاسی دست یابد.

در زندگی آمریکائی که ملو از جنایات و تکلها در دنیا جاسوسی افراد و کوشش دادن، مکالمات تلفنی و غیره استوار اینها همه جز لاینفک سیستم سرمایه داری و سیستم ستیزی و استثمار است و رسوائی و اتزکت بخودی خود یک رسوائی عانی است. در واقع رسوائی و اتزکت که رئیس جمهوری در آن دست داشت با وضع پیشتر نشود بحران عمیق این سیستم ستیز و استثمار کرا آشکار ساخت. سیستمی که در آن راهزنی و شکار انسان حکومت دارند و سیستمی که در آن "قانون جنگل" و اصول اخلاقی سوداگری حکمفرما است. نیکسون یک نماینده تمام عیار این نظام اجتماعی بود و آمریکائی های ساده با خشم و کینه او را بعنوان متقلب و جاعل و قیاد و تقاضا پسرنت محکوم میکنند.

نیکسون زمانی که در کاخ سفید بود نشان داد که تا پایان خدمتکار بزرگوار آمریکا و گروه های بزرگ انحصاری است. سیاست او در کاخ سفید "سیاستی انحصاری و ضد خلقی بود" او تمام عمر خود را بکار برد تا بار بخران را که گوی امپریالیسم آمریکا را می فرستد بر دوش زحمتکاران ساده آمریکا بیندازد. او تورم را تا درجه ارقام نجومی افزایش داد و بر قیمت ها و مالیاتها افزود. بسیاری از حضرات سودهای افسانه وار تا همین کرد آنها در زمانی که مشکلات اقتصادی و بیکاری و غیره بطور بیسابقه ای بروز کرده های وسیع زحمتکاران سنگینی میکرد.

در عرضه سیاست بین المللی نیز نیکسون با جدیت و وفاداری به پروژهای بزرگ امپریالیسم آمریکا خدمت کرد. نادرست روشی جمهوری که مانند او تقصیر عظیمی را بساری کرده باشند. او در همین اینکه تلاش میکرد خود را بعنوان صلح طلب جا بزند و وظیفه نفرت انگیز و انتقام بین المللی را به بهترین وجهی انجام داد و با دست داشتن بیخه زنتین (نشانه صلح - توپان) و دادن مجاری به جهان بزرگ در باره تخفیف کشش بین المللی و استقرار صلح در جهان دفاع از حقوق غارتگرانه امپریالیسم آمریکا را تا همین کرد. هوادار پیامهای آمریکائی به فرمان او مردان و زنان و کودکان ویت نام را بقتل رسانیدند. منازل و مدارس و بیمارستانها را در هانگ ویران ساختند. صهرها و دهکده های لاوس و کامبوج را با خاک یکسان کردند. در کترین برانکین هندی و چین "ها علیه هندی و چین" ها و در کترین که شهرت عم انگری دارد بنام او بوسوم است. در منظور تحقق هدفهای استثمارگران نهن آمریکا در خارج میانه دولت نیکسون اسرائیل را تا دندان مسلح ساخت و او را علیه خلق های عرب علیه آزادی و استقلال آنها رها کرد.

هر جا که ستیزی و استثمار و توطئه و تجاوز است همیشه دست امپریالیسم آمریکا در کار است. بقیه در صفحه ۲

در پیرامون حوادث قبرس

چرخش شوری محدود کردن مسابقه تسلیحاتی صحبت میکنند. آیا ممکن است تا این اندازه از واقعیت بیگانه بود؟ آنها از اینجا هم چشم بدشان اربابان خود دوخته اند.

امپریالیسم آمریکا و موسسات امپریالیسم شوری در حالی که خود دم بدم بمسابقه تسلیحاتی شدت می بخشند برادر خانه های اتی و موشکی خود را افزایش میدهند و ناوگان نظامی خود را بسوی بنادر و سواحل کشورهای دیگر و جزایر کیلومتر دراز سواحل خود گسیل میدارند. تمام لایه چرخش جهان بسوی صلح و آرامش سر میدهند و از این لایه های جز خواب کردن خلق های جهان نذارند چرا که چاییدن کاروانیان در خواب بمیراثی آسانتر صورت می پذیرد. روزی نیست های ایرانی با تکرار لایه امپریالیسم آمریکا و موسسات امپریالیسم شوری و هوشیاری را از خلق های ایران مبرایند و اجرای نقشه های شوم این دو ابر قدرت را تمهیل میکنند.

واقعیتی که در قبرس روی داد و عواقب آن همچنان ادامه دارد یکبار دیگر بر این واقعیت صده میگردد که رقابت دو ابر قدرت در صحنه جهان بر سر سیطره جهانی و وسط مناطق نورد و غارت و استثمار خلق ها و پایبند خوارترین و خطرناکترین است که در این یا آن گوشه جهان روی میدهند. هیچ حادثه فحشی در جهان بوقوع نمی پیوندد که دست این دو ابر قدرت مستقیم یا غیر مستقیم در آن وارد نباشد.

شک نیست که در گردنای نظامی بقیه در صفحه ۳

دولت آتش جنگ های خاورمیانه کاملاً فرو نشسته که شعله های جنگ در نقطه دیگری در تیررس منطقه انزلی و ریزانه می کند. در دنیا بعد از جنگ دوم جهانی هیچ گاه جهان روی صلح و آرامش نبود ندیده است. در همین دهه هفتاد هجری جنگ در مند و چین ادامه دارد. در خاور میانه هنوز چند ماهی از آتش برنیکدرد و ولی خطر آتش سوزی همچنان باقی است. اکنون نیز قبرس این کشور آرام غیر متعهد گرفتار جنگ خانمانسوز و عواقب عم انگیز آنست اما روزی نیست های ایرانی مانند اربابان خود چشم بر این واقعیت بسته اند و بشما تلقین میکنند که "آغاز سالهای هفتاد دوران ورود تماس بین المللی در مرحله نهن رفته است یعنی چرخش بزرگ و عمیق در وضع بین المللی چرخشی از جنگ خطرناک طولانی سرد بسوی کاهش و خاموشی بین المللی چرخشی از افزایش تمام مسابقه تسلیحاتی بسوی محدود کردن آن" (تکیه از ما است).

درست در زمانی که جهان از جنگ کوی به جنگ گرم دیگر میروند در موقعی که مسابقه تسلیحاتی ویژه میان دو ابر قدرت به درجیات بالا و بالاتری گرایش مییابد، موقعی که هر دو وجه های نظامی سال به سال می افزاید، هنگامی که بر اثر ضد اخلاقی پروژیه آمریکا و شوری در امور داخلی کشورها امکان بر خورد نظامی آنها فزونی میگردد درست در چنین زمانی روزی نیست ها از چرخش بسوی کاهش و خاموشی بین المللی

مبادلات نابرابر امپریالیسم

که غارت منابع طبیعی ایران رنگ حساس آقایان را تزلزل میدهد ولی غارت گاز به بهای مبراتب ارزانتی کمتر عکس العملی در آنها ایجاد نمیکند. مگر میان گاز و نفت تفاوتی هست؟ چرا امپریالیسم شوری باید بگاز ایران را به بهای ۵۷ سنت بخرد و به بهای ۱۰۰ سنت بفروشد و خود کلانی از این بابت به دست آورد و روسیون نیست ها مبر سکوت بربند آوند. مگر شرکت های نفتی جز این کاری میکنند؟ مگر غارت و چپاول از جانب آمریکا نگویدند است و از جانب شوری پسندیده؟ آیا همین مسئله گاز تبرسانند که اتحاد شوری بابایی انحصارهای نفتی منابع طبیعی مهن ما را غارت میکند و غارت منابع طبیعی کشورهای عقب مانده و پدمی است امپریالیسمی و موسساتی اتحاد شوری نه تنها گاز را از ایران به قیمت نازل میبیرد محصولات صنعتی خود را به گرانترین قیمت به ایران می فروشد. در آبان ماه ۱۳۵۱ سی هزار تن سیمان شوری از قرار عرمتن ۱۳ دلار و تحویل بند رجلفا و بیست هزار تن سیمان شوری نیز از قرار عرمتن ۱۷ دلار از طریق بند ریهلیوی تحویل داده شد. اما در آذرماه ۱۳۵۲ ایران ۶۷ هزار تن سیمان شوری از قرار عرمتن ۹۹ دلار یعنی کمی بیش از غیر مبر قیمت بسیار قبیله خریداری کرد. در اردیبهشت ماه سال جاری شوری بهای سیمان را به ۶۸ دلار افزایش داد. (اطلاعات ۱۴ مرداد ۵۳)

در پی بنید که طرف یکساله اتحاد شوری "سوسیالیسمی" قیمت یک رقم از محصولات صنعتی خود را بیش از سه برابر با افزایش داده است ولی برای افزایش قیمت گاز ایران پس از اجازت زدنیهای طولانی بالاخره با ۸۷ درصد افزایش قیمت کرد و این معامله شوری حتی با کشورهای "برادر" نیز به از این معامله نمیکند. روزنامه اقتصادی "ویلا گاد اساک" نجاب بخارستان اخیراً با گنایه نوشت که شوری نفت خام را به کشورهای "برادر" در شرق اروپا به بهای هر بشکه ۱۰/۸۰ (یعنی قریب ۲۰ دلار و بیست از ۸ دلار گرانتر از بهای نفت شرکتهای امپریالیسمی) میفروشد و بازهم خواهان قیمت بیشتری است.

باری کشمکش دولت ایران و دولت شوری بر سر قیمت گاز سرانجام پایان پذیرفت و با فیصله یافتن این مشکل تابوتی و انتصاب دارید سته "قیمت" مرکزی نیز فرونشست. اگر تا قبیل از حل مسئله بهای گاز را بسوی شوری یک ایران تمام مردم و طبقه کارگر را به سرنگون ساختن شاه و رژیم او فرا میخواند، اکنون صحبت بر سر اینست که "مردم از اعتراض پنهانی گذشته و مرحله اعتراض آشکار رسیده اند" (یک ایران ۳ سپتامبر) لحن این یک شوری کم کم به لحن ملایم "طرح برنامه" حزب توده ایران "یعنی" افشای رژیم شاه در چهارچوب قانون اساسی "نزدیک میشود. جز این انتظاری هم تعریف !!

دم خروسی

دولت اتحاد شوری "سوسیالیسمی" رشوه دادن و رشوه گرفتن امری عادی و رایج است. رشوه خواری در شوری یکی از طرق اندوختن ثروت است و رشوه گداید کشیدن، هر شکلی و هر دردی است. جمله فکاهی "گورگودیل مسکو" شماره ۲ و انوبه ۱۹۷۰ این واقعیت را با کارگزاران شوری نشان میدهد. آیا روزیون نیست ها بازهم آنرا اتهام خواهند خواند؟

